

دکتر یزدی، رهبر نهضت آزادی ایران، در مصاحبه با روزنامه "جامعه" در تهران:

گروه بازی ها جای خود را به احزاب خواهد داد!

* روحانیت مبارز، در یک مجموعه باقی نخواهد ماند، افرادی باید بروند به جایگاه اصلی خویش!

* بافت اصلی خط راست را "مؤلفه اسلامی" تشکیل می دهد. در این گروه راز و رمزی وجود دارد! خوشحالیم که کنگره آنها، سرانجام علنی برگزار شد، گرچه هنوز مشخصات اعضای رهبری آن اعلام نشده است!

* هیچ مدیریتی نمی تواند مملکتی ۶۰ میلیونی را، که دارای پیچیدگی های سیاسی-اقتصادی است، بصورت متمرکز و از یک نقطه اداره کند!

نقش احزاب در عصر اینترنت

- بله، دز عصر اطلاعات، رسانه ها اطلاعات را به افراد می دهند. زمانی بود که احزاب سیاسی در آموزش سیاسی اعضای خودشان در جامعه نقش فعالی ایفا می کردند و این زمانی بود که سنت فعالیت احزاب وجود داشت. اما حالا شاید بتوانیم بگوئیم که آن نقش گردش اطلاعات - که زمانی منحصر به احزاب سیاسی بود - الان دیگر در انحصار هیچ گروهی نیست. الان شما کلیه اطلاعات مورد نیازتان را می توانید از اینترنت بدست بیاورید. اما اینترنت و تلویزیون و رسانه های گروهی ایجاد کننده انسجام انسانی نیستند. این رسانه ها به افکار عمومی جهت می دهند، اما تا زمانی که افکار عمومی در سازمان های سیاسی متشکل نشوند، توده وار عمل خواهند کرد. الان مشکل آقای خاتمی همین است. مشکل این است که با توده ها ارتباط ذهنی دارد، ولی توده ها سازمان یافته نیستند. احزاب سیاسی هستند که می توانند توده ها را نمایندگی کنند و سر بزننگاه به آقای خاتمی کسک کنند. الان این مشکل های سیاسی وجود ندارند. آقای خاتمی از طریق رسانه های گروهی و ارتباطات کلان با جامعه نمی تواند همکاران خودش را انتخاب کند. حتی ایشان در انتخاب همکاران خود به تناسب برنامه هائی که ارائه داده، موفق نبوده. کسانی را به همکاری دعوت کرده که بعضا با برنامه های ایشان موافق نیستند. این انسجام در برنامه ها و اولویت ها را فقط احزاب و نیروهای متشکل سیاسی می توانند ارائه دهند. اینکه گفته می شود، احزاب در جهان قدرشان را از دست می دهند، برای اینست که این احزاب نتوانسته اند خودشان را با شرایط جدید تطبیق دهند. برای اینکه دنیائی که الان سابقه دموکراسی دارد، دچار بحران هائی است که فراتر از احزاب و رسانه های گروهی جریان دارد. دنیای جدید مشکلات خاص خودش را دارد، این مشکلات مستقل از احزاب وجود دارد.

سؤال: در ایران احزاب سیاسی غیر از اینکه مشکل قانونی دارند، کارکرد سیاسی هم ندارند. حتی اگر همین الان هم مجوز احزاب را به دفتر آنها تحویل بدهند و برای آنان تکلیف و محافظ هم بگذارند، باز هم احزاب نمی توانند فعال شوند، چون کارکرد سیاسی ندارند...

- دو موضوع در این سؤال وجود دارد، یکی اینکه در شرایط کنونی که احزاب وجود ندارند چه باید کرد؟ و دیگر اینکه آینده موجب پیدایش شرایط مناسب برای تحقق احزاب خواهد شد یا خیر؟

من معتقدم فرآیندی که از دوم خرداد شروع شده، لاجرم به پاگردی خواهد رسید و زایمان جدیدی صورت خواهد گرفت. آن زایمان جدید چند حاصل خواهد داشت. یکی این که علاوه بر انتخابات ادواری ملی که الان در حال انجام است و اعتراضاتی هم در باب چگونگی برگزاری آن صورت گرفته و این بحث که شورای نگهبان نباید انتخابات را کنترل کند. انتخابات شوراها نیز باید برگزار شود. این اجتناب ناپذیر است. هیچ مدیریتی در دنیا نمی تواند یک کشور ۶۰ میلیونی مثل ایران را با این مناسبات پیچیده سیاسی-اقتصادی و صورت متمرکز از یک نقطه اداره کند. قانون شوراها باید پیاده شود، از طرف دیگر انجمن های مدنی رشد خواهند کرد. رشد این انجمن ها اجتناب ناپذیر است. این انجمن ها نقش بسیاری در چنین فعالیت هائی دارند. در انجمن هائی مثل انجمن مطبوعات و روزنامه نگاران در بسیاری کشورهای جهان که روشهای دموکراتیک غالب است، این انجمن ها تعیین کننده اند. عامل دیگر، احزاب هستند. من معتقدم، حتی اگر احزاب در جهان هم شکست خورده باشند، در ایران ما هنوز به وجود آنها احتیاج داریم و معتقدم اگر احزاب این خاکریز را فتح کنند و به احزاب در چارچوب قانون - همانطور که رئیس جمهور گفته است - به مخالفان وفادار اجازه بدهند، آرام آرام این گروه بازی ها و باندبازها جای خود را به احزاب سیاسی خواهد داد و آرام آرام احزابی که نمایندگان جریان عینی در جامعه ما هستند، شکل خواهند گرفت و از نظر انسجام موضع گیریهای سیاسی، در بین مردم ما احزاب سیاسی نقش خودشان را ایفا خواهند کرد. من در این مورد اصلا ناامید نیستم، اگر آقای خاتمی بتواند گام اساسی بعدی را بردارد، راه برای همه باز خواهد شد.

آزادی فعالیت نهضت آزادی

- نهضت آزادی خودش را قانونی می داند، چون طبق قانون اساسی هیچ شرطی برای فعالیت احزاب مدنی بر دریافت مجوز از وزارت کشور قید نشده است. هنگام بحث قانون احزاب در مجلس، در سال ۶۳ زمانی که آقای زواره ای معاون وزارت کشور بود، لایحه ای به مجلس آمد که دریافت مجوز احزاب را مشروط به اجازه وزارت کشور کرده بود. مجلس این لایحه را رد کرد، برای اینکه مخالف قانون اساسی بود. پذیرفتند که فعالیت احزاب به هیچوجه مشروط به کسب مجوز از وزارت کشور نیست. ادعای کمیسیون ماده ۱۰ در این مورد خلاف قانون اساسی است. خلاف قانون احزاب است. برای همین نهضت آزادی ایران، خودش را قانونی می داند و فعالیت خودش را در چارچوب قانون، ولو با همه محدودیت هائی که به ما تحمیل شده، انجام می دهد. اما از دید کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و وزارت کشور و نهادهای دولتی مثل وزارت اطلاعات، ما غیر قانونی هستیم. آنچه را که اعلام کرده اند، اینست که نهضت آزادی غیر قانونی است، ولی آن را تحمل می کنند. ما هم داریم سعی می کنیم که میزان تحمل آنها را بالا ببریم!

روزنامه تازه ناسی "جامعه" در شماره ۳۰ بهمن ۷۶ خود، مصاحبه ای با دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران منتشر ساخته است. این مصاحبه، که در نوع خود در جمهوری اسلامی کم سابقه است، در دو شماره و با چاپ عکس رنگی ابراهیم یزدی در صفحه اول "جامعه" انتشار یافته است. بخش هائی از پاسخ های ابراهیم یزدی، به پرسش های مطرح شده در این مصاحبه را در زیر می خوانید:

روحانیت مبارز

- اعضای روحانیت مبارز، علی الاصول با جم اختلافات اساسی دارند. دیدگاه های افراد روحانیت مبارز نسبت به آزادی و دموکراسی و جمهوریت و حقوق مدنی کاملاً متفاوت است. حتی در سیاست خارجی هم نظرگاه واحد مشترکی ندارند. بدین لحاظ، من روحانیت مبارز را پدیده موقتی می بینم که جای خودش را باید به پدیده دیگری بدهد؛ یعنی افرادی باید بروند به جایگاه اصلی خودشان بییندند. فکر نمی کنم، بتوانند در یک مجموعه باقی بمانند.

مؤلفه اسلامی

- به نظر من، بافت اصلی و ملات خط راست را هیات های مؤلفه تشکیل می دهد. من فکر می کنم در این گروه راز و رمزی وجود دارد و به همین دلیل ما از تشکیل کنگره چهارم و اعلام آن و علنی بودن آن استقبال کردیم؛ چرا که کسک می کند تا این افراد با قیافه حقیقی و بطور صریح و علنی وارد صحنه بشوند. و این امکان فراهم می آید که بسیاری محققان و تحلیلگران سیاسی و کسانی که به مسائل سیاسی به دقت نگاه می کنند، این افراد را زیر ذره بین بگذارند و سوابق اینها را از حافظه تاریخی بیرون بکشند. طرز کار این گروه تا به حال چنین امکانی را به کسی نمی داد. برخی از اعضای فعال این گروه به همه گروههای سیاسی حمله کردند، برای بسیاری از آنها پاپوش درست کردند، پرونده سازی کردند. ولی هیچوقت کسی از آنها جدا سؤال نکرده که خودشان کجا بودند، و سوابق شان چیست و در مقاطع حساس تاریخ کشورمان چگونه عمل کردند. هیچوقت معلوم نشده که رابطه بعضی از اینها با گروه های غیر ملی یا ضد ملی در گذشته چه بوده. به نظر من کنگره چهارم هیات های مؤلفه و اعلام رسمی و علنی آن، این امکان را به بسیاری ناظران سیاسی خواهد داد تا آنان را به نقد بکشند. متأسفانه من نمی دانم شاید هم اعلام کرده باشند. چرا اینها اعضای شورای منتخب کنگره شان را اعلام نکرده اند. این موضوعی است که مطبوعات باید بخواهند که آنها معرفی شوند. یک حزب سیاسی که در ایران فعال و صاحب نفوذ و قدرت سیاسی است، باید مردم بدانند که رهبرانش چه کسانی هستند تا بتوانند سوابق آنها را از حافظه تاریخی بیرون بکشند.

جوانان

- دور و بر نهضت آزادی جوانها هم حضور دارند. تا آنجا که ما می بینیم دور و برهای ما همه جوان هستند. اگر من احساس جوانی می کنم به خاطر این است که در میان جوانها هستم. حتی می بینید یکی از اتهاماتی که خط راست در سرمقاله رسالت با عنوان "آتش بیار معرکه به ما زده، این بوده که ما در دانشگاه حضور پیدا کردیم. خوب، دانشگاهها هم محل جوانهاست.